



*حامد طبیبی

از فضای رسمی به رسانه‌های اجتماعی اسباب‌کشی کرده‌اند؛ مثلت احمدی‌نژاد، مشایبی و بقایٰی که روزگاری، مایه امید اصولگرایان بودند، حالا محروم از رسانه‌های جناح راست، ناگزیر به استفاده از ظرفیت رسانه‌ای شده‌اند که در دوران دولت متبوعشان، بیشترین محدودیت‌ها را برای آن قائل شدند. نفر اول، امسال هم سال پراتنهایی را از سر گذراند و با وجود نپ‌ی شدن از حضور در انتخابات، همراه نفر سوم، به ستاد انتخابات کشور رفت و ناگهان شناسنامه خود را از جیب کاپشن خود بیرون آورد تا نام خود را در سباهه بلندبالای علاقه‌مندان به رئیس‌جمهورشدن ثبت کند. رئیس دولت‌های نهم و دهم همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، نتوانست از عاقبت «احراز عدم صلاحیت» بگریزد و هرچه با دو برادر خود، از بهار گفتند اما خزان بیرون آمده بود. این روزها نیز انواع و اقسام اتهامات درباره پرونده‌های او مطرح است و حتی یکی از نمایندگان مجلس از سلب صلاحیت عضو سابق جمعیت ابتازکاران و جامعه اسلامی مهندسین برای حضور در مجمع سخن می‌گوید. کمی آن‌سوتر از بهارستان و خیابان امام‌خمینی یعنی ساختمان قوه قضائیه، نام شهردار سابق تهران در خیابان بهشت هم بر سر زبان‌هاست. هزینه‌های فاقد سند دوران شهرداری او که با عملیات چندلایه اصولگرایان وقت، پله جهش وی به پاستور بود هم در چند گونی، پیدا شده است! هزینه‌هایی که دوست صمیمی وی یعنی مهدی چمران، هیچ‌گاه حاضر به طرح آنها در صحن علنی شورای سوم و چهارم نشد. نفر سوم گروه یعنی حمید بقایٰی، رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری دولت نهم که معاونت اجرائی دولت را هم تجربه کرد، این‌روزها زنبیل‌به‌دست در میدان ارگ تهران دیده می‌شود و حرف‌های آنچنانی درباره دستگاه قضائی بر زبان می‌آورد؛ حرف‌هایی که دلیل آن را غیرعلنی برگزاریردن دادگاه اتهامات خود عنوان می‌کند. با نمایندگان مجلس بر سر تعداد سکه‌های نگهداری‌شده در خانه خود، تند و تیز سخن می‌گوید و آنان را به خلف و ناخلف بودن حواله می‌دهد. اما نفر دوم، سخن که اصولگرایان در دو سال پایانی دولت دهم، او را سرحلقه «جریان انحرافی» نامیدند، گویا باز هم مانند سال‌های ۹۲ تا ۹۶، به گوشه دنج خود بازگشته و احتمالا وعده آمدن بهار را با خود مرور می‌کند. آیا اسفندیار رحیم‌مشایی، بنا نیست تاکتیک‌های رسانه‌ای دو دوست دیگر خود را در صفحات شخصی اجتماعی خود دنبال کند؟ او که روزگاری خود را در مقام پاسخ‌گویی در مقابل منتقدان دولت احمدی‌نژاد نشانده بود، چرا حالا کمتر به مصاف حریفان می‌رود؟ اگرچه برای اصولگرایان فراموش‌کار، بازگشت به دورانی که برای دولت متبوع خود نذر و نیاز می‌کردند، شاید تلخ و ناگوار باشد اما برای افرادی که رونق خبرسازی دوران دولت دهم را خوش دارند، حتما خالی از لطف نیست!

من مشایی، در مقام پاسخ‌گویی قرار دارم!

در روزهای پرتنش تیر ۸۸، ناگهان خبر رسید که اسفندیار کاینه نهم، به معاونت اول دولت دهم خواهد رفت. در روزهای پراتنهاپ پس از انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، این محمود احمدی‌نژاد بود که با اطمینان از فضای خاص ایجادشده در کشور، جلسه تودیع و معارفه‌ای برای رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در دولت نهم برگزار کرد تا همه اطمینان یابند مقصد بعدی اسفندیار کاینه، جایی کمتر از معاونت اول نیست. با این حال رسانه‌ای‌اشلان نامه مقام معظم رهبری به محمود احمدی‌نژاد – که به دلیل استکفاف یک‌هفته‌ای رئیس دولت از اجرای مفاد آن اتفاق افتاد- شرایط را بسیار زودتر از آنچه تصور می‌شد تغییر داد. به هر تقدیر آن موضوع نیز با «استعفا» و نه عزل معاون‌اول به لایه‌های زیرین رفت هرچند هر بار که نام مشایی برده می‌شد، این پیشینه –برای دولتی که در تبلیغات انتخابات سال‌های ۸۴ و ۸۸، خود را اصولگرا می‌خواند- علامت سؤال بزرگی پدید آورده بود. مشایی پس از آن که کسوت رئیس دفتر احمدی‌نژاد و سرپرست نهاد ریاست‌جمهوری به اینای نقشی پرداخت؛ پستی که همه آشنایان به روال دولت می‌دانند اگر برشی بیش از معاون‌اول نداشته باشد، کمتر از آن هم نیست. در آن روزها مشایی پس از هر بار اظهارنظر، ناچار می‌شد مدتی خود را از تبعات ایجادشده دور نگه دارد. بررسی مواضع او در سال ۸۸ و در ماه‌های خاص آن دوران، باید در فصلی جداگانه مورد بررسی قرار گیرد چه اینکه از همان‌جا، نخستین جرقه‌های ادعاهای مشهور او زده شد. او دی ماه ۸۸ پس از قریب به دو ماه سکوت متأثر از انتقادات اصولگرایان به خود و همراهانش در مجموعه پاستور، بار دیگر به عرصه اظهارنظرهای رسانه‌ای بازگشت تا مانند همیشه با «دست پر» و با استفاده از حاشیه امنی که از آن برخوردار بود، جملاتی بدیع را برای احتمالا «پت‌رشدن» در خبرگزاری‌ها و جراید برگزیند، اگرچه رئیس سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران در زمان تصدی پست شهرداری توسط محمود احمدی‌نژاد، در آن دو ماه هم «همه‌جا» در کنار رئیس خود دیده



ضلع دوم مثلث احمدی نژادی‌ها، باز هم به دامن سکوت رفته است؟

اسفندیار کجاست؟

شده و این قاعده مانند چهار سال گذشته سفر داخلی، دیدارهای دیپلماتیک، «نامه‌رسانی» و معدود سفرهای خارجی احمدی‌نژاد را دربر گرفت اما کم نبودند تحلیلگرانی که با توجه به وقایع مقطع پس از انتخابات، معتقد بودند از «مرد دوم پاستور» احتمالا «خواسته» شده تا حد امکان بهانه برای تشدید انتقادات از دولت را به دست دیگران ندهد و اندکی صبر و تحمل را پیشه رفتار و سخن خود کند.

«معتمد» محمود احمدی‌نژاد به سیاق مسئولیت تازه‌ای که پس از روی‌کارآمدن دولت دهم به وی واگذار شده، در دی ماه ۸۸ هم به یک جلسه «تودیع و معارفه» رفت که از قضا با حوزه تحت امرش نیز مرتبط بود؛ تودیع و معارفه معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر ریاست‌جمهوری. او صالحی‌مرام را به‌جای محمدزاده نشاند و با وجود دراختیارداشتن ۲۴ساعته شبکه‌های سیما و صدا و تعداد بی‌شماری سایت و نشریه و تریبون، از حجم کم اطلاع‌رسانی پیرامون اقدامات دولت مهرورز سخن گفت: «قبول دارم جمع‌بندی درستی از کار رسانه به‌عنوان عملکرد دولت اتفاق نیفتاده است، ولی درعین حال معتقدم کار چهارساله دولت در بعد رسانه کاری سنگین و بی‌نظیر است و مثل سایر بخش‌ها قابل مقایسه با دولت‌های قبلی نیست». اسفندیار بی‌آنکه به مصادیق اشاره کند آنچه را «حجم سنگین تهاجم تبلیغاتی علیه دولت» می‌نامید، بی‌سابقه خواند و درباره انتخابات سال ۸۴ مدعی شد «احمدی‌نژاد حتی حاضر نشد یک عکس برای انتخابات بگیرد، چون اعتقادی به این کار نداشت و همین نگاه در کارهای دیگر دولت نهم نیز ظهور داشت». این در حالی است که پوسترهای «شهردار مردمی تهران» در روزهای منتهی به تیر ۸۴ در برخی نقاط تهران و کشور به صورت انبوه بر در و دیوار خودنمایی می‌کرد؛ عکس‌هایی که نه عکس‌های خبری معمول بلکه خروجی تاکتیک‌های تبلیغاتی خاص در «آلتیبه» بودند. مشایی در آن جلسه، در تمجید از محمود، سنگ تمام گذاشت: «دوست دارم فرضی داشته باشم تا شخصیت آقای احمدی‌نژاد را در تلویزیون تبیین و تشریح کنم و بگویم این شخصیت کیست... سفرهای استانی از جهت فلسفه سیاسی، روان‌شناسی اجتماعی و مدیریت در حد دکترا مبانی دارد و مطمئناً اگر یک کار علمی دراین‌باره انجام شود، در دانشگاه‌ها و دنیا تدریس خواهد شد. به‌عنوان یک کارشناس که دستی در مسائل سیاسی دارم، به شما می‌گویم شما می‌توانید پس از این منظر بحران‌های تدریجی در آینده باشید، ولی اگر نگرانید باید بگویم نگرانی وجود ندارد. این ماجرا طبیعی است و مسائلی



احمدی‌نژادی‌ها اساسا به نتیجه توجیه ندارند؛ تکلیف آنها بودن در صحنه یا هر ابزاری است. همین هم غنیمت است. مشایی آن روز توانست در فهرست نامزدهای انتخاباتی قرار بگیرد، اما باز هم گذار او به وزارت کشور افتاد. بعد از درخت‌کاری در اسفند ۹۵ و پیام نوروزی سال ۹۶، نشست خبری برگزار کرد و در «لایو» خود را مقابل دیدگان حیرت‌زده اصولگرایان نمایاند



که رخ می‌دهد تسویه‌حساب است. عده‌ای از نخبگانی که در سطح نظام هستند، در انحرافات پیش از این سهیم هستند». او به این سخنان بسنده نکرده و در همان مقطع شکستن سکوت دوم‌ماهه، دو اظهارنظر دیگر نیز داشت که در نوع خود جالب توجه بود. او یک بار با خبرگزاری ارکان دولت – ایرنا- و بار دوم در حاشیه با خبرنگاران سخن گفت. مشاور و رئیس دفتر احمدی‌نژاد در گفت‌وگو با ایرنا خبر از آن داد که آمریکا، انگلیس و اسرائیل در انتخابات ریاست‌جمهوری دهم تلاش کردند که احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور نشود چراکه با تحلیل مشایی «آنها مایل بودند کسانی که در برابر آنها کوتاه آمده و ضعیف هستند به قدرت بازگردند». وی دوازدهم دی ماه ۸۸ نیز بار دیگر به یک جلسه تودیع و معارفه رفت تا در حاشیه آن با سؤالات خبرنگاران مواجه شود. مراسم تودیع و معارفه معاون سیاسی دفتر ریاست‌جمهوری و این بار این مدیرعامل ایرنا بود که سمت معاونت سیاسی را از آن خود کرد تا «بهداد» بار دیگر هر روز صبح در ساختمان پاستور «گارت» بزند. مشایی با اتمام جلسه خود را در محاصره خبرنگاران دید. ایسنا از او درباره سخنگویان دولت و اینکه وی یکی از سخنگویان دولت است یا نه؟ پرسید و پاسخ‌ی جالب شنید: «من سخنگو نیستم ولی آقای رئیس‌جمهور به من فرمودند شما با توجه به اشرافی که به حوزه‌های مختلف در ارتباط با دولت دارید، می‌توانید به سؤالات جواب دهید. سخنگو نیستم، در مقام پاسخ‌گویی در صورت لزوم به سؤالات جواب می‌دهم ولی سخنگو نیستم». او این‌بار به سراسر مباحث الهیات و فلسفه نرفته و درباره اسلام‌شناسی مختص خود، داد سخن سر ن داده بود گویانکه احتمال داده می‌شد به دلیل شکاف ایجادشده میان قم و پاستور، از مشایی خواسته شده بار دیگر واکنش مراجع را بر نبینگیزد و به پست غیرسازمانی «کارشناسی که دستی در مسائل سیاسی دارد» بسنده کند. در آن روزها بحث ارتباط وی با دنیای غیرامدی و... در برخی محافل شنیده می‌شد تا فشارها بر نفر دوم دولت، افزایش یابد.

انسان و خدا

معاون اول ناکام دولت دهم که بلافاصله سمت بهتری گرفت و رئیس دفتر احمدی‌نژاد و سرپرست نهاد ریاست‌جمهوری شد و در هفته‌های پس

سیاست



زایوه

نرمالیزاسیون روحانی

سیدمحسن امامی‌فر*

این روزها صفحه یک مطبوعات کمی متفاوت از تلقی جافانده در اذهان عمومی است. رئیس‌جمهور عکس یک و اظهاراتش تیتیر روزنامه‌های جناح راست و کنایه و گلایه از روحانی در صفحه اول برخی روزنامه‌های اصلاح‌طلب مشهود است. بحث پیچیده‌ای نیست. اصلاح‌طلبان معتقدند رئیس‌جمهور از گفتمان اصلاح‌طلبی و شعارهای انتخاباتی فاصله گرفته است. در سوی مقابل اظهارات اصولگرایان و رضایت‌خاطر آنها از رئیس‌جمهور نشان از نزدیکی روحانی به این جناح دارد. اما آیا نرمالیزاسیون فضای سیاسی که مورد تأکید است که رئیس‌جمهور ضمن اتحاد استراتژیک با اصلاح‌طلبان، با اصولگرایان نیز هم‌پوشانی داشته باشد؟ قدر مسلم حل اختلافات سیاسی می‌تواند به ترسیم مختصاتی سیاسی با دو اصل قاعده‌مندی و نظم‌پذیری کمک کند.

از آن هم چند سمت پیاپی و عضویت در چند شورا به آن اضافه شده بود، در آن روزها با فراغ بال به هر حوزه‌ای ورود می‌کرد. او حتی ریاست کمیسیون فرهنگی دولت را نیز از آن خود کرد تا وزیر ارشاد و مشاورهای احمدی‌نژاد تنها عضوی از این کمیسیون باشند. بااین‌حال مشایی نمی‌توانست مباحث مورد علاقه نظری خود را بیان نکند. او ۱۸ شهریور ۸۸ در جلسه معارفه کامران دانشجو، فلسفه آفرینش انسان را این‌گونه تفسیر کرد: «نمی‌خواهم فلسفی صحبت کنم، ذوقی می‌گویم. خداوند به انسان بدهکار نبود که او را آفرید. ظاهرا خداوند به خودش بدهکار بود که انسان را آفرید. دلش خواست متأثر از تفکر اومانیستی است و بوی تفکرات اگزنستاسیالیست‌ها از انسان اهمیتش به همین علم است. اگر علم را برداریم، انسان حذف می‌شود. انسان را که حذف کنیم، دیگر نیازی به حذف خدا نیست، زیرا خدا دیگر خودش حذف شده است». اصولگرایان سکوت را جایز نمی‌دانستند.

محمد غروی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، در آن مقطع، سخنان مشایی را متأثر از اومانیسم دانست: «آقای مشایی اظهارنظرهایی می‌کند که بعضاً متأثر از تفکر اومانیستی است و بوی تفکرات اگزنستاسیالیست‌ها از حرف‌های ایشان استشمام می‌شود. وی که اسلام‌شناس نیست که این‌گونه سخن می‌گوید که هم برای خود و هم برای آقای احمدی‌نژاد مشکل ایجاد می‌کند». سیات‌های حامی مشایی بلافاصله پاسخ دادند چرا مدعیان و تکفیربوی، حاضر به مناظره زنده با رئیس دفتر احمدی‌نژاد نیستند؟ رئیس دولت هم بارها و بارها به دفاع تمام‌قد از دوست نزدیک خود پرداخت و او را انسانی زلال دانست که برخی جریانات جناح راست به سبب دورماندن از سمت‌های دولتی و عدم امکان حمله به احمدی‌نژاد، به جای رئیس خود مورد حمله قرار می‌گیرد. اسفندیار کاینه دوب آن‌ماه ۸۸ در جشنواره بین‌المللی فارابی به بررسی جایگاه انسان پرداخت و در سخنانی افکار موجود در باب انسان را به دو دسته تقسیم کرد و گفت: «نگاهی وجود دارد که در آن جایگاه انسان تا خدا ارتقا می‌یابد. البته منظور بخش منفی آن و خداشن نیست، انسان از سرعت و جهش برای رشد برخوردار است، اما در نگاه دیگر انسان تا مرز حیوانیت سقوط می‌کند که این نگاه راه را برای پرواز بسته است و انسان ناچار است در قفسی که برای او می‌سازند، زندانی باشد».

سخان فلسفی نفر دوم دولت در همایش دانشگاه‌ها باز هم ادامه یافت.

او که در سالن همایش‌های صداوسیما سخن می‌گفت به تحلیل مسئله مدرنیسم و رابطه آن با دانشگاه پرداخت و مقوله عدالت آموزشی را بررسی کرد.

او باز هم به موضوع انسان بازگشت. به سخنرانی خود در یکی از دانشگاه‌های آمریکا اشاره کرد و از آنجا «گفت» آورد: «در آنجا گفتیم چرا خدا محور وحدت‌انسان‌ها نیست و الان نیز تأکید می‌کنم خدا محور وحدت انسان‌ها نیست و حتی امروز هم بشر به وحدت نرسیده است، چراکه اگر به وحدت نرسیده بود این‌همه عجز‌ریزی و جنگ صورت نمی‌گرفت». همه اینها مانند روزهای پرچجال عزل مشایی، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های حامی دولت احمدی‌نژاد را به مصافی دیگر کشاند و آنها در مقابل هم نیرو آراستند. کیهان، فارس، رجانیزو، جهان‌نیوز و الف برای وادارکردن محمود احمدی‌نژاد به عزل رئیس دفتر خود کمر همت بستند و در مقابل خبرگزاری دولتی ایرنا با حمله به این رسانه‌ها، مخالفان مشایی را افراطی خواند و به این رسانه‌ها گوشزد کرد احمدی‌نژاد وامدار آنها و رسانه‌هایشان نیست. اینها هدف این رسانه‌ها از تخریب مشایی را مصادره دولت طبق اراده محافل ویژه دانست که با «قرائت مشایی از احمدی‌نژاد که مبتنی بر خواست رهبری و ملت است» مخالفاند. «مشایی مردی برای تمام فصول» عنوان مطلب ایرنا بود که در بخشی از آن این‌گونه آمده است: «تأثیرگذاری رحیم‌مشایی در دولت نهم و دهم منجر شده است که منتقدان دکتر احمدی‌نژاد نود تیک پیکان انتقاد غیرمنصفانه و تخریب‌های خود را به سوی «مهندس اسفندیار رحیم‌مشایی» نشانه رفته و بدون ادله و برهان و براساس روش‌های سوخته عملیات روانی، نقد و راه‌های توهین‌آمیزی را متوجه مشاور رئیس‌جمهور کنند».

این یادداشت که کارشناسان رسانه‌ای آن را دست‌پخت محمدجعفر بهداد، خبرنگار پارلمانی سابق کیهان و مدیرعامل ایرنا در دو سال گذشته می‌دانستند، تعریف جدیدی از موضع‌گیری سیاسی ارائه داد: «سخن سیاسی باید زنده، پیشرو و واکنش‌برانگیز باشد؛ زیرا عرصه سیاست از جنجالی‌ترین عرصه‌های حیات اجتماعی است. سیاست‌مداری که سخن مرده بر زبان براند بزودی نامش از صفحه سیاست و عنوان‌های درشت خبری پاک می‌شود. رحیم‌مشایی در چند سال گذشته همیشه با بیان نظرات خود به‌طور صریح و آشکار نشان داده یی سیاست‌مدار واقعی است».

این یادداشت، رحیم‌مشایی اصولگرا را افراطی خواند اگرچه مدتی بعد آنها دیگر نتوانستند از عملکرد دو نفر اول دولت دفاع کنند: «کوتاه سخن: در بین جریان‌های سیاسی لایه‌هایی افراطی هستند که حضور رحیم‌مشایی را نمی‌توانند تحمل کنند، چراکه با نقش‌آفرینی وی قرائتی جدید از «احمدی‌نژاد» و «دولت دهم» مبتنی بر خواست رهبری و ملت و برخلاف اراده محافل ویژه ارائه شده و بااین‌ترتیب امکان مصادره دولت از کف محافل خاص خارج خواهد شد.

ادامه در صفحه ۱۱

نگاه دیگر

همکاری اقتصادی – هسته‌ای ایران و آمریکا



سیدحسین موسویان

کاخ سفید به‌دنبال سه تغییر در برجام است؛ دائمی‌کردن محدودیت‌های مدت‌دار آن، جلوگیری از توسعه نسل جدید سانتریفیوژها و توقف آزمایشات موشکی ایران. ترامپ درواقع همان نظر نتانیاهو را عمل می‌کند که در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: «برجام را یا لغو کنید یا تغییر دهید». اصلاح‌کنید یا هیچش کنید». لایحه کوکر-کاتن هم در جهت پیشبرد همین اهداف در کنگره مطرح است؛ طرحی که اساساً ناقض برجام است. دلیل اعلام‌شده کاخ سفید، نگرانی از ماهیت برنامه هسته‌ای ایران پس از اتمام دوره برجام است. اما هدف واقعی او، نابودکردن برجام و ایجاد زمینه برای یک تقابل تمام‌عیار با ایران در منطقه است. اما تحقق هر سه هدف وی غیرممکن است زیرا نقض آشکار و فاحش برجامی خواهد بود که یک توافق بین‌المللی است و پشتوانه آن هم قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل است. ضمن اینکه هر سه مورد غیرمنطقی، خلاف ثُرم‌ها و مقررات جهانی نیز هست. محدودیت‌های پیش‌بینی‌شده در برجام بین هشت تا ۲۵ سال، تماماً فراتر از معاهده عدم اشاعه هسته‌ای (ان‌پی‌تی) است و هیچ کشور دیگری تاکنون رسماً چنین محدودیت‌هایی را با هم در برنامه هسته‌ای خود نپذیرفته است. دائمی‌کردن این محدودیت‌ها یعنی ایجاد یک معاهده ان‌پی‌تی جدید آن هم صرفاً درباره یک کشور؛ بنابراین ایران هیچ‌گاه چنین تبعیض آشکار و تحقیرکننده بین‌المللی را نخواهد پذیرفت. توقف نسل پیشرفته سانتریفیوژها نیز تلاشی بیپوده است زیرا اولاً سانتریفیوژهای فعلی ایران تکنولوژی ۵۰ سال پیش و غنی‌سازی با این نسل سانتریفیوژها کاملاً غیراقتصادی است. ثانیاً طبق ماده چهار معاهده ان‌پی‌تی، تمامی اعضا حق بهره‌مندی از تکنولوژی پیشرفته هسته‌ای آن هم بدون تبعیض را دارند. توقف توان دفاعی و نظامی ایران ازجمله توان موشکی نیز به هفت دلیل واقع‌بینانه نیست: اول؛ ایران در دهه اول ۸۰، مورد تجاوز نظامی صدام قرار گرفت و قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی از این تجاوز و نیز کاربرد هزاران موشک و نیز سلاح‌های شیمیایی علیه ایران حمایت کردند. دوم؛ آمریکا و سایر قدرت‌های جهانی از یک طرف صدها میلیارد دلار پیشرفته‌ترین سلاح‌های نظامی را به کشورهای همسایه ایران صادر می‌کنند و متقابلاً ایران را مورد تحریم تسلیحاتی قرار داده‌اند. سوم؛ سناریوی حمله نظامی به ایران همچنان روی میز آمریکا و اسرائیل است و کشورهای عربستان و امارات سال‌هاست برای تحقق آن در پشت‌پرده تلاش کرده‌اند.

چهارم؛ بودجه نظامی ایران نسبت به کشورهای همسایه خیلی کمتر است. بودجه نظامی ایران حدود ۱۵ میلیارد دلار و یک‌پانزدهم بودجه نظامی عربستان است و در مقابل بودجه نظامی ۷۰۰ میلیارد دلاری آمریکا، بسیار ناچیز است.

پنجم؛ ایران در بحرانی‌ترین منطقه جهان زندگی می‌کند و اکثر بحران‌های مهم جاری جهان اعم از عراق، افغانستان، سوریه و... در همسایگی ایران است. **ششم**؛ خطر گروه‌های تروریستی داعش و القاعده و امثالهم که در بیخ گوش ایران بروز کرده و در داخل ایران مرتکب عملیات تروریستی نیز شده‌اند، بزرگ‌ترین تهدید امنیت جهانی و منطقه و مرزهای ایران است.

هفتم؛ توان تسلیحاتی ایران دفاعی و بازدارنده است و پتانگون هم به این واقعیت اعتراف کرده است. اصرار آمریکا در توقف توان موشکی و دفاعی، به معنی آماده‌سازی برای حمله به ایران تلقی می‌شود.

بنابراین ایران حفظ و تقویت توان دفاعی خود را جزء لانیفک حفظ تمامیت ارضی، امنیت و استقلال خود می‌داند و برای تحقق آن معامله نخواهد کرد. بنابراین از هم‌کنون روشن است که استراتژی جدید ترامپ درباره ایران محکوم به شکست است. با وجود این، ظرفیت یک ال‌تراتیوو دیگر برای او وجود دارد. با توجه به اینکه، عدم اعتماد بین ایران به سمت سلاح هسته‌ای بعد از سال ۲۰۴۰ است؛ زمانی‌که محدودیت‌ها برنامه هسته‌ای ایران کاملاً منتهی خواهد شد. نتیجه

این نگرانی جدی است، اگر او امروز برجام را لغو کند، محدودیت‌های مذکور نیز فوراً منتهی خواهند شد و از امروز با آن تهدید مواجه خواهد شد. بنابراین بهتر است کاخ سفید از فرصت زمانی چندساله محدودیت‌ها، استفاده کرده و از طریق همکاری هسته‌ای با ایران، مسیر اعتمادسازی متقابل را دنبال کند. قبل از انقلاب اسلامی، دانشمندان و مهندسان هسته‌ای آمریکا در بخش‌های مختلف هسته‌ای ازجمله انرژی، سلامت، تکنولوژی و ایمنی با ایران همکاری می‌کردند. بعد از انقلاب هم ایران مخالفتی با این نوع همکاری‌ها نداشته است. حتی بعد از برجام نیز آمریکا از آب‌سنگین خرید، بنابراین این عقابلی است که دو کشور درباره پروژه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای با هم همکاری کنند. این روش، بهترین مسیر اعتمادسازی در بخش هسته‌ای است همان‌گونه که روسیه با ایران چنین همکاری‌هایی را دارد. همان‌طور که جرال فور، رئیس‌جمهور آمریکا از حزب جمهوری‌خواه، در سال ۱۹۷۴ دستور همکاری‌های گسترده هسته‌ای بین آمریکا و ایران را صادر کرد، اگر هم قدرت‌های هسته‌ای جهانی، در زمینه همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای وارد همکاری با ایران شوند، بهترین شیوه کسب اطمینان از آینده صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران خواهد بود. آمریکا بزرگ‌ترین شرکت‌های تأسیسات هسته‌ای جهان را دارد که باید اعتماد برنامه هسته‌ای آشنا هستند. استفاده از این ظرفیت برای همکاری و مشارکت در پروژه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، یک اقدام اساسی برای اعتمادسازی و ایجاد اطمینان از استمرار صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران بعد از پایان زمانی محدودیت‌های جاری خواهد بود. مردم ایران و آمریکا هیچ‌گاه با هم دشمن نبوده‌اند. اکنون زمان یافتن راه‌های سالم همکاری‌های اقتصادی است که بتواند به ایران و آمریکا برای اجرای کامل برجام، محور ک سلاح‌های هسته‌ای از روی کروزمین و نیز مقابله با تهدید تروریسم هسته‌ای، کمک کند. دراین‌راستا ایران و آمریکا می‌توانند در زمینه عاری‌سازی خاورمیانه از سلاح‌های هسته‌ای با هم همکاری داشته باشند.

***پژوهشگر ارشد دانشگاه برنستون و سخنگوی پیشین تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای**

منبع: دانشگاه هاروارد